

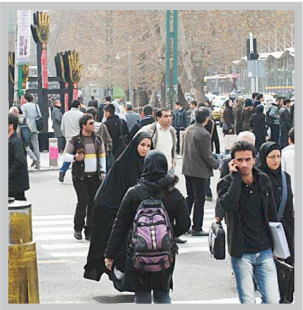
یادداشت
«احمد شیرزاد»

ریشه‌ها و آینده قله جمعیتی دهه ۶۰

متولدان دهه ۶۰، امروز با چالش‌ها یا دستاوردهایی در زندگی روزمره خود روبه‌رو می‌شوند که حاصل سیاست‌ورزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های سال‌های کودکی آنان است. همچنان که دوران میانسالی و سالخوردگی آنان نیز با تدابیر و رویکردهایی تعیین می‌شود که در همین سال‌ها در مراکز تصمیم‌گیری، اتخاذ می‌شود. از این رو، یک پرسش اساسی می‌تواند این باشد که سیاست‌ها، قوانین و برنامه‌ها تا چه اندازه آینده‌نگرانه است و تصمیم‌سازان و ریل‌گذاران کشور، تا چه اندازه دغدغه افق‌های پیش رو را لحاظ می‌کنند؟ باید اذعان کرد که پدیده قله جمعیتی دهه ۶۰ فقط و فقط نتیجه بعضی از سیاست‌گذاری‌های مسئولان کشور نبود. این قله جمعیتی، یک پدیده اجتماعی است و نباید از زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شکل‌گیری آن غافل شد. به عبارت دیگر، در سال‌های نخست بعد از انقلاب، جامعه خود را در معرض یک نوع رهاشدگی و بالندگی می‌دید و امید بسیاری به رشد اقتصادی و برخورداری از مواهب بیشتر بود. این امور به همراه ارتقای ناگهانی سطح بهداشت، زمینه مساعدی برای یک جهش جمعیتی در کشور به‌وجود آورد. اما همچنان که این جهش جمعیتی چند علتی بود، علت‌های بسیاری دست‌به‌دست هم داد تا مسیر زندگی و آینده این جمعیت که امروز از آنان به نام متولدان دهه ۶۰ یاد می‌شود، دچار تلاطم‌هایی شود. به عبارت دیگر، جنگ، کم‌تجربگی در حوزه‌های مدیریتی، عدم الزام کافی برای اجرای قانون و در نهایت، نادیده انگاشتن دستاوردهای قانونی به بهانه زدن جناح مقابل یا رقیب، موجب شد توسعه کشور فرایند ثابت، مداوم و قابل پیش‌بینی را طی نکند. در کنار این مسائل، داشتن نگرش کوتاهمدت به مسائل مختلف، به‌ویژه در حوزه تصمیم‌گیری، آسیب‌های جدی به کشور وارد کرد. نوع رفتار ما با حوزه محیط‌زیست، مثال خوبی برای این مسئله است. در سال‌های گذشته گاه به بهانه منافع کوتاهمدت یا پاره‌کردن روبان‌ها به‌واسطه افتتاح طرح‌ها، الزامات محیط‌زیستی نسل‌های آینده را نادیده گرفتیم. تا جایی که کارشناسان معتقدند بالایی که بر محیط‌زیست و منابع، آب‌وهوا و خاک کشور وارد شده، در دو، سه دهه هم قابل جبران نخواهد بود. حتی اگر همین امروز مسیر و رویکرد خودنسبت به محیط‌زیست را تغییر دهیم، قربانی کردن بلندمدت به قیمت منافع کوتاهمدت اقلیتی خاص، آفت بزرگ امروز حوزه سیاست ماست. البته منظور از این اقلیت خاص، قطعا حکومت‌گران کلان کشور نیستند، بلکه ازمدیران میانی گرفته تا رانت‌جویان لانه کرده در لایه‌های میانی بوروکراسی ایرانی را شامل می‌شود. این اقلیت، در لابه‌لای رقابت جناح‌های سیاسی، پروژه‌هایی تصویب و تصمیم‌های اقتصادی کلانی را اتخاذ شده که در نهایت، منابع کوتاهمدت عده‌ای خاص تامین می‌شود و در مقابل، منافع درازمدت بخش قابل‌توجهی از جمعیت کشور تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. این رویکرد، مولد همان مخاطراتی است که امروز متولدان دهه ۶۰ با آن مواجه هستند، مخاطراتی که از دوران کودکی و نوجوانی آغاز شده، به میانسالی آنان در این سال‌ها رسیده و چه بسا به دوران سالخوردگی‌شان هم برسد.

به‌ویژه در حوزه تصمیم‌گیری، آسیب‌های جدی به کشور وارد کرد. نوع رفتار ما با حوزه محیط‌زیست، مثال خوبی برای این مسئله است. در سال‌های گذشته گاه به بهانه منافع کوتاهمدت یا پاره‌کردن روبان‌ها به‌واسطه افتتاح طرح‌ها، الزامات محیط‌زیستی نسل‌های آینده را نادیده گرفتیم. تا جایی که کارشناسان معتقدند بالایی که بر محیط‌زیست و منابع، آب‌وهوا و خاک کشور وارد شده، در دو، سه دهه هم قابل جبران نخواهد بود. حتی اگر همین امروز مسیر و رویکرد نسبت به محیط‌زیست را تغییر دهیم، قربانی کردن بلندمدت به قیمت منافع کوتاهمدت اقلیتی خاص، آفت بزرگ امروز حوزه سیاست ماست. البته منظور از این اقلیت خاص، قطعا حکومت‌گران کلان کشور نیستند، بلکه ازمدیران میانی گرفته تا رانت‌جویان لانه کرده در لایه‌های میانی بوروکراسی ایرانی را شامل می‌شود. این اقلیت، در لابه‌لای رقابت جناح‌های سیاسی، پروژه‌هایی تصویب و تصمیم‌های اقتصادی کلانی را اتخاذ شده که در نهایت، منابع کوتاهمدت عده‌ای خاص تامین می‌شود و در مقابل، منافع درازمدت بخش قابل‌توجهی از جمعیت کشور تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. این رویکرد، مولد همان مخاطراتی است که امروز متولدان دهه ۶۰ با آن مواجه هستند، مخاطراتی که از دوران کودکی و نوجوانی آغاز شده، به میانسالی آنان در این سال‌ها رسیده و چه بسا به دوران سالخوردگی‌شان هم برسد.

تحلیگر مسائل اجتماعی



روند رشد «مستمری» مددجویان ادامه دارد

جانشین رئیس سازمان بهزیستی کشور با اشاره به اینکه هزینه اجرای کامل قانون حمایت از حقوق معلولان، ۱۲ هزار میلیارد تومان است، گفت: «این قانون باید به شکل گام‌به‌گام اجرا شود و اعتبار پیشنهادی بهزیستی برای اجرای این قانون در سال ۹۸، دو هزار میلیارد تومان است.» به گزارش «ایسنا»، پehیدپورشیانان با بیان اینکه دولت به‌رغم مشکل کمبود منابع مالی در برنامه ششم توسعه، منابعی را برای ارتقای مستمری مددجویان از امسال در نظر گرفته است، اظهارکرد: «رشد ۲/۲برابری مستمری ماهیانه مددجویان از سال گذشته در همین راستا بوده و افزایش بودجه در سال آینده نیز با وجود مشکلات اقتصادی در بودجه دولت دیده و ادامه دارد.»

۸۰ | کتبی‌نو

سیاست اجتماعی

«مرتضی گلپور»
«روزنامه‌نگار»

هرم جمعیت ایران چگونه است و مسیر پیش روی آن چیست؟ در یک افق ۳۰ساله، وضعیت زندگی بخش جوان، میانسال و سالخورده جمعیت ایران چگونه خواهد بود؟ دکتر شهلا کاظمی‌پور، جمعیت‌شناس معتقد است که با ورود متولدان دهه ۶۰ به دوره جوانی، اکنون میانه هرم جمعیتی کشور، بسیار بزرگ‌تر از راس یا قاعده آن است، بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد که وقتی این جمعیت به سالخوردگی برسند، یعنی در افق ۱۴۳۰، راس هرم، به مراتب بزرگ‌تر از دیگر بخش‌ها خواهد بود.

چه بسا با نرخ فعلی زادوولد در ایران، قاعده هرم جمعیت کشور در افق ۱۴۳۰، به مراتب کوچک‌تر و نحیف‌تر باشد. این امر به خودی خود، تعادل اقتصادی و اجتماعی جامعه را به هم می‌زند، به‌ویژه اینکه بخش زیادی از جمعیت، دریافت‌کننده مستمری خواهند بود و بخش کمتری باید به جای آنان تولید کنند. در گفت‌وگو با دکتر کاظمی‌پور، الزامات اقتصادی و پیامدهای رفاهی فرایندهای جمعیتی ایران بررسی شد. اصلی‌ترین راهبرد او برای حل مشکلات آینده، اجباری و همگانی‌کردن بیمه‌ها، جداکردن بخش بهداشت از تامین اجتماعی و درنهایت حرکت به سمت بهره‌وری صندوق‌های بازنشستگی است. این گفت‌وگو را بخوانید.

■ به‌نظر می‌رسد سیاست‌های جمعیتی ایران، دونقطه عطف داشته است؛ یکی توقف سیاست‌های کنترل جمعیت بعد از انقلاب و دیگر اجرای سیاست‌های کنترلی بعد از جنگ. پیامد این سیاست‌ها برای ما چه بود؟

در تاریخ کشورها حتی ممالک اروپایی، معمولا میزان مولاید و مرگ‌ومیر هر دو در حد اکثر اندازه طبیعی خود بودند که باعث می‌شد رشد جمعیت بسیار ناچیز باشد. اما پس از انقلاب صنعتی و پزشکی، میزان مرگ‌ومیر در اروپای غربی به‌شدت کاهش یافت که باعث رشد جمعیت شد. به این معنی که جمعیت جهان که در دوهزار سال، دو برابر شده و از ۲۵۰ میلیون نفر به ۵۰۰ میلیون نفر رسیده بود، در عرض ۲۰۰ سال از ۱۶۵۰ تا ۱۸۵۰ دوبرابر شد و به یک میلیارد نفر رسید. تا سال ۱۳۰۰، ایران تقریبا در دوره اول جمعیت قرار داشت، یعنی مرگ‌ومیر و مولاید بالا و این یعنی رشد بسیار ناچیز جمعیت. به همین دلیل سال‌ها بود که جمعیت ایران ۱۰ میلیون نفر باقی مانده بود. اما از سال ۱۳۰۰، با انتقال امکانات بهداشتی و درمانی به کشور، ثبات سیاسی، بهبود وضعیت اقتصادی و ورود درآمدهای نفتی به اقتصاد، مرگ‌ومیر در ایران کاهش یافت، اما به دلیل بالا بودن مولاید، جمعیت ایران از ۱۰ میلیون نفر در ابتدای قرن، به ۱۹ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ رسید. از آن زمان به بعد هم سیر افزایش جمعیت سریع‌تر و طول سال‌های دوبرابرشدن جمعیت کوتاه‌تر شد، به‌طوری که در سال ۵۵، جمعیت ایران ۳۳ میلیون نفر بود که نشانه رشد سه درصدی است که خود ناشی از کاهش مرگ‌ومیر و بالا بودن مولاید بود.



نمای نزدیک

■ از چه زمانی سیاست‌های کنترل جمعیت، مانند کنترل زاد ولد در ایران اجرا شد؟

سال ۱۳۴۶ در وزارت بهداری وقت، دفتر «جمعیت و تنظیم خانواده» به کمک سازمان‌های بین‌المللی تاسیس شد. هدف از این سیاست‌ها، کاهش باروری بود که البته منحصربه‌ایران نبود و در هند و پاکستان زودتر آغاز شده بود. به‌دنبال این سیاست‌ها، از سال ۱۳۵۰ به بعد، باروری در ایران رو به کاهش رفت. نهایتا در اوایل انقلاب تعداد متوسط فرزندان خانواده در ایران به‌عنوان باروری کل، به حدود ۶/۵ فرزند رسید. بعد از انقلاب اسلامی، در وهله اول برنامه‌های تنظیم خانواده مسکوت ماند و دفتر تنظیم خانواده تعطیل شد و به این ترتیب سیاست مستقیمی برای افزایش باروری نداشتیم، اما برنامه‌های دیگری به‌صورت غیرمستقیم به افزایش ولادت منجر شدند.

■ برنامه‌های اقتصادی یا اجتماعی؟
برنامه‌های اقتصادی، کوپن‌های اقتصادی یا دفترهای بسیج اقتصادی یکی از این سیاست‌ها بود. مطابق این دفترچه‌ها مردم براساس تعداد خانوار، ارزاق دریافت می‌کردند. طبیعتا خانواده‌های پرجمعیت می‌توانستند کالاهای بیشتری بگیرند یا خانواده‌هایی که در سطح پایین‌تری بودند، فکر می‌کردند با آوردن یک بچه می‌توانند کوپن بیشتری بگیرند. سیاست اعطای زمین‌های شهری به خانواده‌های پرولاد هم از جمله این رویکردها بود. حتی جنگ هم باعث شد میزان ولادت افزایش یابد.

■ و پیامد این سیاست‌ها در بُعد خانوار چه بود؟
این سیاست‌های ضمنی باعث افزایش میزان ولادت شد و به حدود ۷ فرزند در خانواده رسید. برآوردها نشان می‌داد تا سال ۱۳۶۵، جمعیت ۳۳ میلیونی ایران باید به حدود ۴۵ میلیون نفر برسد، اما در سرشماری این سال، مشخص شد که جمعیت به ۴۹ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر رسیده است. این سرشماری، مسئولان را متوجه رشد بسیار بالای جمعیت کرد. به همین دلیل جمعیت‌شناسان هماپشی در مشهد برگزار کردند و آنجا دولتمردان را مجاب کردند که سیاست‌های کنترل مولاید را بار دیگر در ایران برقرار کنند. این سیاست‌ها از سال ۱۳۶۸ برقرار شد و متعاقب آن، میزان ولادت پایین آمد.

■ با این فرایندها هرم سنی جمعیتی ایران چه ویژگی پیدا کرد؟

با افزایش ولادت‌ها در دهه ۶۰، هرم سنی جمعیت ایران که از سال ۱۳۰۰ در حال حرکت از یک هرم دولولی شکل به یک هرم مثلثی شکل بود، به یک هرم مثلثی شکل با قاعده بسیار وسیع تبدیل شد. در برخی از سال‌های دهه ۶۰، تا دو میلیون تولد ثبت شده است و چون جمعیت کشور جوان و مرگ‌ومیر هم کمتر بود، رشد جمعیت در ایران در سال ۶۵ به ۲/۹ درصد رسید. البته اگر دو میلیون مهاجر افغان و معاونین عراقی را از آن کم کنیم، به رشد ۳/۲ درصدی می‌رسیم. به این ترتیب از سال ۵۵ تا ۶۵ جمعیت کشور از ۳۳ میلیون نفر به ۵۰ میلیون نفر رسید. این ۱۷ میلیون نفر، قاعده هرم جمعیتی را وسیع کرد. اما از سال ۶۸ با اجرای سیاست‌های تحدید مولاید، آن هم با شتاب بیشتر، شاهد شتاب کاهش مولاید در ایران هستیم.

■ این مربوط به چه دوره زمانی در سیاست‌گذاری می‌شود؟

در برنامه اول توسعه کشور که در سال ۶۸ تدوین شد، سیاست‌های کنترل مولاید پیش‌بینی شده بود که تا سال ۱۳۹۰ رشد جمعیت به ۲/۵ و تعداد فرزندان به ۴ برسد. اما اهداف این برنامه در اواسط دهه ۷۰ محقق شد.

■ یعنی تقریبا ۱۵ سال پیش از رسیدن به موعد تعیین شده در برنامه.

سوال این است که وقتی مسئولان دیدند اهداف برنامه‌ای که قرار بود سال ۹۰ موفق شود، در اواسط دهه ۷۰ محقق شد، چرا

نگرانی همه این است که در آینده جمعیت کشور سالخورده می‌شود و تورم هرم سنی به سالخوردگی انتقال می‌یابد و حدود ۲۴ میلیون، یعنی یک چهارم جمعیت کشور سالخورده خواهیم داشت. یک چهارم جمعیت هم زیر ۱۵ سال خواهند بود و بقیه یعنی ۵۰درصد جمعیت کشور باید سایرین را تامین کنند.



یکشنبه ۱۱ آذر ۱۳۹۷ ● شماره صد و هشتاد

A T I V E H N O

گفت‌وگو با دکتر شهلا کاظمی‌پور، جمعیت

بیمه؛ ضرر به گیر



سیاست‌سازهای فعال به این معنا نیست که سالمندان فعال شوند، بلکه افرادی که اکنون در سن فعالیت هستند، توانمند شوند تا وقتی به سالمندی رسیدند، خودشان روی پای

افراد بالای ۶۰ سال تشکیل دهند.

■ این چه تغییری در هرم سنی جامعه ایران به‌دنبال خواهد داشت؟

از آنجایی که بعد از سال ۱۳۶۵، باروری کاهش یافته است، قاعده هرم که اکنون بسیار وسیع است، آرام آرام در حال جمع‌شدن است و چون به‌تدریج سن متولدان دهه ۶۰ افزایش می‌یابد، اکنون متورم‌ترین بخش هرم جمعیتی ایران، بخش میانی آن است که گروه سنی جوانان را تشکیل می‌دهد، یعنی همین گروهی که اکنون با مشکل ازدواج، اشتغال و مسکن مواجه هستند. در ادامه، این‌ها به‌تدریج به میانسالی می‌رسند و ۲۰ یا ۳۵ سال بعد هم سالخورده می‌شوند که در این صورت، ناگهان بالای هرم، متورم می‌شود. ممکن است این‌ها اتفاق نیفتد، اما از دوره ۲۰ تا ۳۰ ساله آتی، دولت‌ها و سازمان‌های بازنشستگی با این پدیده مواجه خواهند بود، یعنی با جمعیتی که سالخورده شده است.

■ این یک پیش‌بینی جمعیت‌شناختی است. این پیش‌بینی، چه توصیه‌های اقتصادی یا سیاسی برای ما خواهد داشت، به عبارت دیگر، چه باید بکنیم تا این مسئله به‌درستی مدیریت شود؟

در وهله اول، معتقدم باید به وضع موجود بپردازیم. هر برنامه‌ریزی سه مرحله دارد: شناخت وضع موجود، ترسیم وضع آینده و اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهایی برای رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب. امروز ما باید وضع موجود را شناسایی کنیم. مانند اینکه وضعیت صندوق‌های بازنشستگی و جمعیت تحت‌پوشش را مشخص کنیم که آیا همه جمعیت سالمند را پوشش می‌دهند یا خیر؟ در پژوهشی برای سازمان تامین اجتماعی در سال ۸۰، این سوال را مطرح کردم که چرا مردم از بیمه‌های اجتماعی استقبال نمی‌کنند؟ نتیجه تحقیق نشان داد، همه می‌خواهند بیمه شوند، اما تامین اجتماعی نمی‌تواند همه را بیمه کند یا اینکه توجه نمی‌کند. پیشنهاد من این بود که وقتی پدیده نوبی وارد جامعه می‌شود، باید به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کنیم که افراد با تحصیلات اندک هم بتوانند الگوبرداری کنند. به همین منظور بیمه هنرمندان و بعد